

در جستجوی هویت مشترک: فولکلور تفسیر شده از طریق تصویر^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۵)

جوانا کوتتال

ترجمه: آذین سبحانی^۲

چکیده

این مقاله درباره چگونگی بازنمایی تصویر در دنیای امروز و استفاده از فولکلور به مثابه یک زبان است. همچنین به پرسش اصلی این مقاله یعنی رابطه بین تصویر و فولکلور، پاسخ می‌گوید و یک پارادایم نوین را ارائه کرده است که به مثابه یک ابتکار معنایی به نظر می‌رسد. هدف از این پارادایم جدید، کشف و اشاعه یک هویت جمعی^۳ از طریق بیان فردی است.

کلیدواژه‌ها: تصویر، فولکلور، هویت فردی، هویت جمعی، معاصر

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Quntal, Joana (2014). "Searching for a Common Identity: The Folklore Interpreted Through Illustration". *Journal of Illustration*. vol. 1, No.1, pp 9-27.

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

۳. بسیاری از نویسندگان دوگانگی هویت فردی/جمعی را کمک به نوعی شکل‌گیری حس هویت می‌دانند: «هالواکس» با توجه به حافظه جمعی، حافظه گروهی یا حافظه ملی، به ساختارهای اجتماعی حافظه یک هویت جمعی و ماهیتی فردی نسبت می‌دهد و این مفاهیم را به مثابه عوامل سازنده یک اجتماع حول و حوش گذشته خاصی می‌انگارد که در عین حال به گونه‌ای بلافصل نیز حضور دارند. (نایدمر، ۱۹۹۷: ۱۲۹). «موزه دو لمو مارتین» استدلال می‌کند که نظام‌های نمادین یک اجتماع... پندارهای جمعی آنها (مذهب، هنر، زبان، اسطوره‌ها، آداب و رسوم) اعمال پیوسته‌ای هستند که جوامع انسانی از طریق آنها به خود شکل می‌دهند و در عین حال، موجودیت خود را اعلام می‌کنند. (مارتین، ۲۰۰۱: ۹۲)

مقدمه

به عقیده «بومنز»^۱، مدرنیته سیال^۲ گرفتار یک بحران معنایی جدی است به این معنا که الگوها یا قوانین تجویزی رفتار اجتماعی بی‌ثبات شده‌اند؛ در نظر «نیتمر»^۳ (۱۹۹۷)، هویت شخصی امروزه حیاتی و اساسی شده است و هویت جمعی به راهی برای تعیین یک الگوی نوین تبدیل شده است. شکل‌گیری آزمایشی یک واقعیت تجربی مشترک به گونه اجتناب‌ناپذیری به بی‌ثباتی در معنا و به تبع آن شکل‌گیری هویت‌های فردی و جمعی منجر می‌شود.

«جهان‌های کوچکی از زندگی» (برگر و لاکمن، ۱۹۹۷) در کل، به مفهوم مدرن تکثرگرایی شکل می‌دهند و عادت‌ها که آغاز می‌شوند و با زندگی روزمره آمیخته می‌شوند، پس از مدتی به بخشی از فرهنگ تبدیل می‌شوند. به این ترتیب، جامعه امروز به مجموعه‌ای از افراد جداگانه تبدیل می‌شود که هر یک در برساختن هویت خویش فعالانه عمل می‌کنند؛ «شخص»ها و «نفس»های گوناگونی که با انگیزش‌ها و تکانه‌های اجتماعی موثر و محسوسی در سطح جهانی ظاهر می‌شوند و آن را اشاعه می‌دهند: اکنون، واحد از گوناگونی‌ها برساخته شده است و ابهاماتی که اکنون با آنها مواجه هستیم، احساسات پیچیده و بی‌ثبات نقشی جدید را برای ارتباطات تصویری و طراحی گرافیکی به همراه آورده است.

با این اوصاف، ما تاکید می‌کنیم که تصویر در حیطه طراحی ارتباطات به‌مثابه یک سیستم «خودسازنده»^۴ عمل می‌کند به این معنا که در عین اینکه با جهان خارج همزیستی دارد، ماهیت وجودی خود را حفظ می‌کند. این مقاله با بهره‌گیری از این رویکرد، تلاش می‌کند ثابت کند که تأثیر فولکلور در تصاویر امروزی، بیانگر این

1. Bauman

۲. «بومنز»، مفهوم «سیال بودن» را استعاره اصلی مرحله کنونی دوران مدرن می‌داند. سیالات برخلاف جامدات، به سادگی نمی‌توانند شکل خود را حفظ کنند و نه شکل ثابتی به خود می‌گیرند و نه در قید و بند زمان درمی‌آیند. (بومنز، ۲۰۰۰: ۸)

3. Niethammer

4. selves

5. autopoietic

در جستجوی هویت مشترک: فولکلور تفسیر شده از طریق تصویر ❖ ۲۰۳

خواستار و تلاشی است برای احیای ارزش‌های مشترکی که به پندارهای جمعی تعلق دارند؛ آرزویی برای آشکار کردن هویت‌هایی که در پیچ و خم‌های مدرنیته مخفی شده‌اند.

۱. پیچیدگی امروز و راه‌های ممکن برای بودن

«زیگموند باومن»^۱ (۸: ۲۰۰۰) از استعاره «سیال بودن»^۲ برای اشاره به «ویژگی مرحله کنونی دوران مدرن» استفاده می‌کند. سیال بودن مایعات (برخلاف جامدات که شکل خود را بدون تغییر حفظ می‌کنند) باعث می‌شود که تغییر و دگرگونی آسان‌تر صورت گیرد بنابراین مایعات از آنجایی که مدام در حال تغییر شکل دادن هستند، به یک حالت نمی‌مانند، فراگذر هستند و فقط برای لحظه‌ای فضایی را اشغال می‌کنند. با این حال، «باومن» عقیده دارد که «مدرنیته سیال» گرفتار یک بحران معنایی جدی است به این معنا که دیگر الگوهای روشن یا قوانین تجویزی مشخصی در خصوص رفتار اجتماعی یا قوانین قطعی درباره جایگاه یا نقش هرکدام از موارد مذکور در جامعه وجود ندارد. «برگر»^۳ و «لاکمن»^۴ نیز استدلال می‌کنند احساسات و ارزش‌های زندگی خصوصی نیز زیر سوال رفته‌اند و حتی آن بخشی از هویت شخصی نیز که ارثی است و افراد قاعدتا نباید بتوانند آن را زیر سوال ببرند نیز در دنیای امروز تغییر کرده و به حیطه‌ای تعلق پیدا کرده است که اشخاص می‌بایست برای به دست آوردن آن زحمت بکشند و تلاش کنند. «کار» که معنای آن، «شغل برای ادامه زندگی» بود و جایگاه و ارزش هر شخص را در شرایط اجتماعی، خانوادگی و هویتی وی تعریف می‌کرد، گرفتار بی‌ثباتی شد و به امری غیرضروری تبدیل شد. خلاء ایجاد شده بر اثر نبود الگوهای فوق، به شکل‌گیری جنبش‌هایی برای یافتن هویت و خویشستن خویش منجر شد. زمانی که «لیوتار»^۵ از

-
1. Zygmunt Bauman
 2. liquidity
 3. Berger
 4. Luckmann
 5. Lyotard

۲۰۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بی‌اعتباری فراروایت‌ها سخن می‌گوید و به تکثرگرایی و بحران کلی معنا اشاره می‌کند، از «عدم قطعیت» حرف می‌زند و ضمن این مفهوم، به «زیر سوال بردن» و بازنگری هر روزه معنای «وجود» و «زندگی» اشاره دارد.^۱ نبود ارزش‌های مشترک و یک واقعیت مشابه که همه در آن سهیم باشند به یک بی‌ثباتی اجتناب‌ناپذیر در معنا منجر می‌شد و این همان داغ ننگ و واقعیت غیرقابل پذیرش جامعه مدرن است و آن است که «فردیت» اعضای خود را محور قرار می‌دهد و مطرح می‌کند (بومن، ۲۰۰۰: ۳۹). تکثرگرایی وضعیتی است که در آن افراد در یک جامعه، هر یک با روش‌های متفاوت به گونه‌ای مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی می‌کنند (برگر و لاکمن، ۱۹۹۷: ۵۹).

تکثرگرایی تلویحاً به این معناست که هیچ چیز را نمی‌بایست درست، منحصربه‌فرد یا غیرقابل پرسش دانست بلکه گزینه‌های مختلفی وجود دارد و بنابراین تقریباً همه چیز مجاز است اما هیچ تعبیر و تفسیری بسته، کارآمد یا متناسب محسوب نمی‌شود. جهان، دیگر از پیش تعریف شده نیست و نیازمند بازتعریف و بازتاسیس است. اینها ابهاماتی هستند که نوع انسان با آنها مواجه است: بین گذشته‌ای که ایجاد شده و ایمن است و آینده‌ای که قرار است تعریف شود. به این ترتیب، اگر در یک سو، آزادی و گشایش بیشتری وجود داشته باشد، عدم قطعیتی دردناک و رنج‌آور نیز در انتظار کسانی است که پیوسته در جستجوی معنا و جایگاهی در جامعه هستند. اما این تصویر بدبینانه بارقه‌ای از امید را نیز در خود دارد: «در تمامی جوامع رویه‌های بازسازی و خلق معنا از ابتدا وجود دارند» (همان: ۱۰۸).

اگر مشکل جامعه مدرن در ساختارهای ابتدایی آن باشد، این نویسندگان پیشنهاد ایجاد «نهادهای میانجی» را برای سرکوب علت‌ها مطرح می‌کنند و این برای خنثی کردن و مقاومت کردن در مقابل مشکلات یاریگر است. بر اساس همین اصل است که

۱. معرفت (savoir) را در معنای کلی نمی‌توان به «علم» (science) یا حتی به «یادگرفتن» (connaissance) فروکاست. بلکه منظور از واژه «معرفت» فقط مجموعه‌ای از گزاره‌های تفکیکی نیست بلکه چیزی بسیار فراتر از آن است؛ به معنای «کاردانی» و «هنر چگونه زیستن» و «هنر چگونه گوش کردن» است. «معرفت» در واقع، درباره این است که چگونه می‌توان شایسته و پاکفایت شد و بسیار فراتر از به کارگیری معیارهای ساده فنی یا معمولی زیبایی‌شناسی، شادی، عدالت، خرد اخلاقی، حساسیت بصری و شنوایی و مانند اینها می‌رود (لیوتار، ۱۹۸۴: ۱۸).

در جستجوی هویت مشترک: فولکلور تفسیر شده از طریق تصویر ❖ ۲۰۵

«جهان‌های کوچکی از زندگی» به اجرا درمی‌آیند (همان: ۱۱۶). جوامع حول منافع و احساس‌های مشترک سازمان می‌یابند: جهان‌های کوچکی که با قرار گرفتن در کنار یکدیگر به تکثرگرایی مدرن شکل می‌دهند. «مانوئل کاستلز»^۱ به دلیل چندپارگی کنونی به ظهور جنبش‌هایی که بر اساس وعده برقراری ثبات شکل گرفته‌اند، اشاره می‌کند:

«در این جهان سراسر تغییرات غیرقابل کنترل و مغشوش، مردمان تمایل دارند حول هویت‌های اولیه مجدداً گروه‌بندی شوند: بر اساس مذهب، منطقه، ملیت... مردم به طور روزافزونی معنای خود را نه بر اساس آنچه که انجام می‌دهند بلکه بر اساس آنچه که هستند یا آنچه که فکر می‌کنند هستند، سازمان‌دهی می‌کنند.» (کاستلز، ۱۹۹۹: ۲۳)

«بوآونتورا دو سوسا سانتوز»^۲ نیز به نوبه خود ناتوانی کنونی در نگرستن به گذشته را برای درک آینده تقبیح می‌کند. وی در این خصوص عقیده دارد: «ما نمی‌توانیم بدون بازتأسیس گذشته، رهایی و دگرگونی اجتماعی را بازاندیشی کنیم» (سانتوز، ۱۹۹۷: ۷). به عقیده این نویسنده، دگرگونی و برساختن اجتماعی هویت در مدرنیته بر اساس توازن بین «ریشه‌ها» و «گزینه‌ها» است: «اندیشه ریشه‌ها» به هرچیز عمیق، دائمی، منحصربه‌فرد و منفرد اشاره دارد؛ تمامی چیزهایی که ایمنی و پایداری را تضمین می‌کنند. «اندیشه گزینه‌ها» به هر چیز متغیر، غیردائمی، قابل جایگزین، محتمل و غیرقطعی اشاره دارد (همان: ۹). این یک رابطه متوازن بین اندیشه ریشه‌ها (اشاره‌ای به گذشته) و اندیشه گزینه‌هاست که می‌توان آینده را در آن جستجو کرد. همان طور که «موزه دو لمو مارتین» می‌گوید: «هویت یک جامعه با دو شرط بارور می‌شود: ایستایی^۳ (هویت، یک نهاد است) و پویایی^۴ (هویت، یک جنبش و دگرگونی است).

-
1. Manuel Castells
 2. Boaventura de Sousa Santos
 3. static
 4. dynamic

۲. در جستجوی هویت

«کاستلز» (۱۹۹۶: ۲۲) با توجه به اینکه افعال اجتماعی به چه چیزهایی مربوط می‌شوند، «هویت» را اینگونه تعریف می‌کند: «روند برساخته شدن معنا بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های درهم تنیده فرهنگی که بر سایر منابع معنایی غالب هستند.» به این ترتیب، هویت‌هایی که خلق می‌شوند برای خالقان خود، منابع معنا هستند.

«سوسا سانتوز»، اغلب طراحی معاصر را به‌مثابه یک وجه مشترک فرهنگی، مفسر و ترجمان رابطه متوازن بین «ریشه‌ها» و «گزینه‌ها» می‌داند - جستجوی ریشه‌ها (هویت اولیه)، چیزی که شناخته شده است و به زندگی ما ساختار می‌بخشد نیز در طراحی حضور دارد. «موزه دو لمو مارتین» (۲۰۰۱: ۹۲) استدلال می‌کند که نظام‌های نمادین یک اجتماع... پندارهای جمعی آنها (مذهب، هنر، زبان، اسطوره‌ها، آداب و رسوم) اعمال پیوسته‌ای هستند که جوامع انسانی از طریق آنها به خود شکل می‌دهند و در عین حال، موجودیت خود را اعلام می‌کنند.» و «کاستلز» (۱۹۹۶: ۲۳) خاطر نشان می‌کند که این مواد خام به دست افرادی که «معنای آنها را در ذیل جریان‌های اجتماعی و پروژه‌های فرهنگی درک می‌کنند، پردازش می‌شوند.»

اکنون این امر، مسئله‌ای مهم در برنامه‌های پژوهشی طراحی است. پروژه «ویرایش، طراحی، صنایع دستی و صنعت» (این پروژه ذیل رساله دکترای کلودیا آلبینو با عنوان «حس مکان، ارزش‌گذاری هویت سرزمینی از طریق طراحی»، شکل گرفت)، به این ترتیب تعریف می‌شود:

«به عنوان آزمایشی برای روندی از تغییر که ما انسان‌گرایان آن را پیش‌بینی می‌کنیم و قادر هستیم هویت سرزمینی را از طراحی، ارزش‌گذاری کنیم... ما را به تأمل درباره فرصت و ارتباط صنایع دستی به‌خصوص «مهارت صنایع دستی» به‌مثابه چالشی برای نوآوری از طریق طراحی فرامی‌خواند. این تمرین تلاش می‌کند ما را به نوعی گسترده‌سازی «احساسات مکانی» از قلمروهای

تمدنی قرن بیست و یکم سوق دهد.» (آلبینو، ۲۰۱۲)

بیایید بر اساس این مفروضه، بر تصویر تمرکز کنیم.

در جستجوی هویت مشترک: فولکلور تفسیر شده از طریق تصویر ❖ ۲۰۷

۳. بازگشت به دست‌آفریده‌ها، مقاومت در برابر استفاده بیش از حد از فناوری

استفاده روزافزون از ابزارهای فناوری یا فقط به کارگیری فناوری بدون وجود استراتژی یا مفهوم برای کمک به پروژه طراحی در دنیای صنعتی شده در تمامی سطوح بسیار گسترده شده و به استانداردسازی رسمی و فنی‌تر منجر شده است. از سوی دیگر و هم‌راستا با تداوم و تقویت توسعه‌های فنی، امروزه ما شاهد جنبش‌هایی نیز هستیم که خواهان استفاده از فناوری‌های سطح پایین‌تر و حضور هرچه بیشتر انسان هستند. در واقع، اینکه انسان قادر باشد کاری انجام دهد و مهارتی داشته باشد، باعث می‌شود که آن «شان» فراموش شده خود را بار دیگر به دست بیاورد. «آپادورای»^۱ در این خصوص عقیده دارد که پندار و خیال در جهان پساالکترونیک نقش قابل توجه نوینی را ایفا می‌کند: با توجه به اینکه از فضای محدود هنر، افسانه و آداب و رسوم دست و پاگیر رها شده، اکنون در «فعالیت ذهنی روزانه مردم عادی بسیاری از جوامع مشارکت می‌کند... و مردم شروع کرده‌اند به نشان دادن جلوه‌های عملی پندارها و خیال در زندگی روزمره خود.» (آپادورای، ۱۹۹۶: ۱۷)

نمایشگاه‌های صنایع دستی شهری همچنین آنهایی که طعم‌های جدید غذاها، لباس، بافتنی، قلاب‌دوزی و برودری‌دوزی^۲ را به نمایش می‌گذارند همگی از این اعمال ناشی می‌شوند و در هر کدام، توانایی انجام دادن کاری که نوعی بیان فردیت افراد است، به نمایش گذاشته شده و تقویت شده است. نکته جالب توجه این است که همین فردیت است که تمامی ما را کنار هم جمع کرده است و شاید به همین خاطر باشد که ما حس می‌کنیم در این تصاویر و جلوه‌ها، چیزی فطری و طبیعی وجود دارد که قادر است ما را از وضعیت اپراتورهای ماشین‌های پیشرفته صرف نجات دهد و به امکان فقط انسان بودن بازگرداند.

آزاد گذاشتن تخیل باعث گسترش پارادایم نوینی در طراحی می‌شود که روند آن مشارکت افراد را برمی‌تابد؛ هم در بیان منحصر به فرد ابداع‌گر و هم در آگاهی از اینکه چه کسی مصنوع را تعبیر و تفسیر خواهد کرد. طراحی که با یکنواختی آشکار مواجه شده است، با یک درخواست گویا و از طریق به کارگیری تصویر شگفتی‌ها، تفاوت‌ها و

1. Appadurai

۲. نوعی سوزن‌دوزی. م.

۲۰۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ویژگی‌های خاص یک جامعه را فریاد می‌زند. در حالی که «فلوسر»^۱ در خصوص خطر جایگزینی تصویرهای فنی به جای تجربه هشدار می‌دهد، تصاویر به‌مثابه راهی برای فرار و خلق جهان‌های جایگزین به نظر می‌رسند. بیان فردیت (بر خلاف تمامیت)، در تصویر، زمینه‌ای برای تعالی پیدا می‌کند تا خودش را به خاطر آزادی ایجاد شده از سوی برنامه‌ای که محدودیت‌های کمتری دارد و به مبدع نزدیک است، متجلی کند.

در اینجا، زمینه برای تغییر فراهم شده است: مردم در پاسخ به جهانی شدن کنونی یاد می‌گیرند که دوباره احساس کنند، بیشتر تجربه کنند و شگفتی‌ها را بیان کنند اما این روند کشف کردن دوباره به خاطر متفاوت بودنش با لذات ریسک دارد. رفتارها معمولاً با هنر همراه‌اند که الگوها و استانداردها را رد می‌کنند و فقط در حاشیه طراحی و تصویر قرار می‌گیرند چرا که بزرگ‌ترین هدف آنها برقراری ارتباط و پل زدن برای دسترسی به دیگران است.

تصویر در این معنا، نقش واسطه‌ای بین خلق یک زبان منحصربه‌فرد از سوی یک تصویرگر و مواجهه با سایرین را ایفا می‌کند: پرده‌برداری از هویت در حضور دیگری و جستجوی پیوستگی‌ها و نزدیکی‌ها و اشتراکات و توانا به برقراری ارتباطات لازم. در اینجا، هویت جمعی که ابعاد گوناگونی از آن ارائه شده است با این جستجو شکل می‌گیرد. نیاز به نشان دادن تصویر در عین توانا بودن به برقراری ارتباط نیازمند جستجوی چیزهای ثابت و غیرقابل تغییر است که فراتر از زمان و مکان باشند.

۴. تصاویر «فراتر از بازی مدرن ریشه‌ها و گزینه‌ها»

ایماژهایی که توسط فرهنگ مردم ایجاد شده‌اند بازتاب بازنمایی‌های خود به خودی و کاراکترهای ساده و قوی محلی هستند و روش‌های زندگی مردم را به هم نزدیک‌تر می‌کنند و با عادات و آداب و رسوم آنها درمی‌آمیزد. «سانتوز سیلوا»^۲ ایماژهایی را که نقطه آغازین و الهام تصاویر هستند، «آفرینش‌ها و کاربردهای طبیعت نمادین که طی تکرار کاربردی و همچنین به خاطر شدتی که فرض می‌شود، به چیزی بیش از آن

1. Flusser

2. Santos Silva

در جستجوی هویت مشترک: فولکلور تفسیر شده از طریق تصویر ❖ ۲۰۹

چیزی که در ابتدا بوده تبدیل می‌شود» می‌داند (سیلوا، ۱۹۹۴: ۲۹). در این روند، صاحب اثر با نام مشخص، جایگزین بی‌نام و نشانی می‌شود؛ خودانگیزگی و خودجوشی جای خود را به خلق اثر از روی قصد و نیت قبلی می‌دهد و بیان صدای افراد یک پروژه جدید را رقم می‌زند که با خودخواستگی آمیخته شده و همین دلیل است که نمادین بودن آن را تقویت می‌کند و گسترش می‌دهد.

این تصاویر با آگاهی به نیاز به برقراری به ارتباط، لزوم وجود عناصر هویت محلی و لزوم انتقال آنها به بستر جهانی شکل گرفته‌اند و می‌توانند احساس‌های «بدیع» را پدیدار کند. تصویر با آرزوی پرده‌برداری از هویت طراحی امروزی همراه است، با این فرض که واژه «بدیع» دو معنا را در خود دارد: «اصیل» و «نوین». تصاویری که چشم‌انداز نوینی بر فرهنگ مردم بر جای می‌گذارند، از این بستر پدیدار می‌شوند: تصاویری که فرهنگ عامه را تلفیق می‌کنند و خود را به‌مثابه روایاتی که حاوی معانی جدیدی هستند، مطرح می‌کنند (شکل‌های ۱، ۲، ۳). در واقع، تصویرگر، آن ماده خام مشترک و کلی را که همه در آن سهیم هستند و هویت‌های جمعی و فردی را گرد هم آورده و بازتاب آنهاست، در قالب تصویر، به نمایش درآورده است. در این شرایط، فولکلور شکل میراث سینه‌به‌سینه مردمان و فوت و فن خاص آنها را که سنتی، خاص و خودجوش است و میان دانش کاربردی و ثبت شده ارتباط برقرار می‌کند، همان طور که هست؛ می‌پذیرد.



تصویر ۱. یک صورتک سنتی

❖ ۲۱۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

فرضیه ما در اینجا این است که تصویر، تولید معانی جدید را از طریق تعبیر و تفسیر فولکلور تقویت می‌کند، روندی که احتمالاً حاصل تطابق پدیدارشناختی و هرمنوتیک هر تصویرگر به عنوان «خود» با مدرنیته است. تصویر معاصر، فولکلور را از طریق کشف دی. ان. ای مردم، دوباره بازبینی می‌کند؛ یک راه ابتدایی و فطری برای کسب معرفت که هنوز هم کامل نشده است و در حال شکل‌گیری است؛ معرفتی که اکنون بازتفسیر می‌شود اما پیام‌هایی را که به ما اجازه می‌دهد مبدأ آن را بشناسیم، همچنان دست نخورده حفظ می‌کند. واژه فولک^۱ به قرن دوازدهم برمی‌گردد و معنای آن یعنی مردم، ملت، قوم. ترکیب فولک + لور در قرن بیستم در زبان ظاهر شد و لور^۲ به معنای «آموزش، تدریس، مطلب

تدریس شده، درس، دانستی‌ها» است. فولکلور «فرهنگ مردم» است و «مجموعه‌های از آداب و رسوم، ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، داستان‌ها و تاریخ شفاهی» است که به طور کلی، سینه به سینه و دهان به دهان و از طریق گروه‌های مردمی نقل و حفظ شده است. بنابراین، فولکلور شامل چیزی مشترک برای ما مردم است و اکثریت غالب، متمایز است و برای ما حس هویت، تعلق به یک مکان، راهی برای بودن و انجام کارهایی که این روزها ضروری هستند، خلق می‌کند. این هویت طی روند مرتبط شدن به دیگران شکل می‌گیرد، متحول می‌شود اما در عین حال همچنان تنوع اولیه خود را حفظ می‌کند.



تصویر ۲. صورتکی که در جشن‌های سنتی یرتقال مورد استفاده قرار می‌گیرد.

1. folk
2. Lore

در جستجوی هویت مشترک: فولکلور تفسیر شده از طریق تصویر ❖ ۲۱۱

در این روند، فضای بازنمایی به ایجاد فضای معنایی منجر می‌شود: فضایی برای برقراری ارتباط و مواجهه بین خود و دیگری. ما نیت جدیدی از این بازتفسیر را در می‌یابیم: قدرت خواندن و نوشتن موجود در «دانش مردمی» به طور نمادین، ارزشمند شده است؛ چیزهای سنتی، امور نمادین را ایجاد می‌کنند؛ بازنمایی‌ها باعث نموده‌ها می‌شوند؛ تک‌معنایی‌ها باعث چند معنایی‌ها می‌شوند.

«شتینر»^۱ عقیده دارد که این یک روند «فرانگش‌خلاق»^۲ است که طی آن، ابعادی که در اصل باعث می‌شدند یک عملکرد، شکل ارزش‌های معنایی خاصی را به خود بگیرد و در قالب مصنوعات دستی جدید درآید، متحول می‌شوند و در قالب زیبایی‌شناختی نوینی درمی‌آیند و به لحاظ فرهنگی رشد و توسعه پیدا می‌کنند.

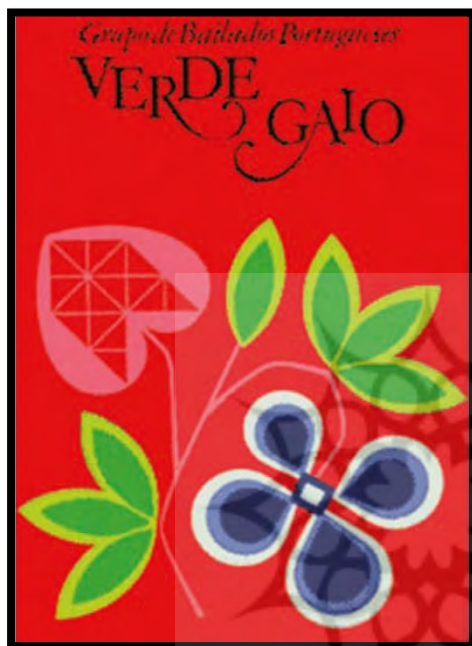


تصویر ۳. ماریای پرتغالی که یک هویت منطقه‌ای (پرتغالی) پیدا کرده است.

1. Steiner
2. creative transposition

۵. جمع‌بندی، از شباهت تا تفاوت: خودسازندگی و احتمالات

در اواسط قرن بیستم، «سباستیه رودریگز»^۱، طراح پرتغالی، پیشگام هدفی شد که طراحی هم‌اکنون نیز دنبال می‌کند: پروژه‌های او از تصاویر فرهنگ مردم به عنوان ماده



تصویر ۴. طراحی سباستیه رودریگز

خام، تغذیه می‌کردند اما می‌توانند با دستور کار جدید، تغییر شکل دهند. تصاویر وی به گونه‌ای هستند که گویی ضرورت به برقراری ارتباط را فاش می‌کنند و دارای نوعی تیزهوشی و ذکاوت ویژه هستند. در واقع، سادگی معرفت، تجربه و دانش سنتی که با بینش همراه می‌شود، روشی از تفکر را شکل می‌دهد که این دو را به هم نزدیک می‌کند و از «تصویر» به عنوان یک منبع گویای بیان استفاده می‌کند. ما می‌توانیم در آثار «سباستیه رودریگز» ویژگی‌هایی را که هویت ما را برمی‌سازد پیدا کنیم

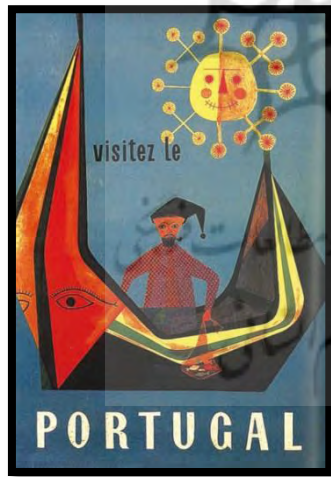
و همچنین می‌توانیم زبانی برای آینده را نیز جستجو کنیم (شکل‌های ۴، ۵ و ۶). امروزه، «سانا آنوکا»^۲، «کیت ساتون»^۳، «جینی روول»^۴، «جولیا روتام»^۵، «مادلنا ماتوزو»^۶ و «کارولین رری»^۷ تصویرگرانی هستند که به طور مشترک علاقه نابی به

1. Sebastião Rodrigues
2. Sanna Anukka
3. Kate Sutton
4. Janine Rewell
5. Julia Rotham
6. Madalena Matoso
7. Karoline Rerrie

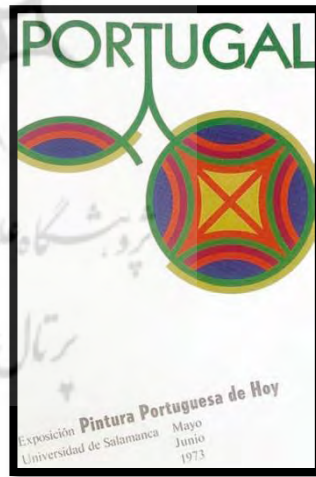
در جستجوی هویت مشترک: فولکلور تفسیر شده از طریق تصویر ❖ ۲۱۳

فولکلور کشورشان دارند. از سوی دیگر، تصویرگری‌های آنها این قابلیت را دارد که ما را از نو به تماشای یک نگاره‌شناسی بنشانند که با دور بودن از واقعیت ما به ما اجازه می‌دهد تا فوراً با فرهنگی که از آن برخاسته‌ایم، همذات‌پنداری کنیم. از سوی دیگر، این ایماژها یک لایه معنایی و نمادین اضافه می‌کنند که آنها را فراتر از مرزهای اولیه دیداری و فرهنگی خود به نمایش می‌گذارند.

بنابراین، ما تصاویری را که به این روش طراحی شده‌اند، با سیستمی خودسازنده در جهان ارتباطات تصویری می‌دانیم؛ یک سیستم خودسازنده چرا که با جهان خارج از خود همزیستی می‌کند اما در عین حال، محیط درونی خود را بدون تغییر حفظ می‌کند. این یک روند خودنگهداری است چرا که از تطابق با احتمالات و رویدادهای پیش‌بینی‌نشده حاصل می‌شود. «لومان»^۱ این قابلیت را توانایی پاسخگویی به نیازها و خطراتی می‌داند که به تصمیماتی منجر می‌شوند که انتخابات شخصی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این یک احتمال است چرا که کاملاً ضروری نیست بنابراین، پاسخ، محتمل است و غیرممکن هم نیست و می‌تواند این یا یک گزینه دیگر باشد و به شخص و به تدابیری که طی روند اتخاذ می‌کند، بستگی دارد.



تصویر ۶. طراحی سباستيو رودريگر



تصویر ۵. طراحی سباستيو رودريگر

۲۱۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

«لومان» اعتقاد دارد برای اینکه «انطباق» اتفاق بیفتد، فرایندی تحت عنوان «ساده‌سازی» در جریان است؛ به این معنا که سیستم‌های عملکردی باعث می‌شوند



تصویر ۷. طراحی ساتن

نیازهای محتمل ایجاد شوند و اینها سیستم‌هایی هستند که مرزهای معنایی را ایجاد می‌کنند و در اولین فاز، اجازه می‌دهند «تثبیت تفاوت بین داخل و خارج» برقرار شود.» (درسانتوز، ۲۰۰۵: ۸۰). این همان تعادلی است که بشریت اکنون خواستار آن است؛ تثبیت دانش‌هایی که همه در آن سهیم هستند و داشتن هویت قطعی که باعث می‌شود بتوانیم با چیزهایی که عجیب هستند با اعتماد به نفس بیشتری مواجه شویم. این سازمان‌هایی که خودشان را سازماندهی می‌کنند با

پیچیدگی عجیب شده‌اند اما در عین حال این توانایی را دارند که معنای خود را برای فائق آمدن بر موقعیت‌های پیش‌بینی شده در عین حفظ پایایی، چالاکي و پابندی به قوانین خاص خود، ارتقا بدهند.

ما از عقاید «لومان» نتیجه می‌گیریم که جهان یکی است اما از مجموعه‌ای متفاوت از سیستم‌های خودسازنده تشکیل شده است - ارگانیزم‌هایی که با قوانین خودشان اداره می‌شوند و خودمولد هستند و در عین ارتباط با جهان پیچیده خارج، با استفاده از ابزارهای گزینش و تولید معنای خود، توانمند هستند. با این حال، این یک حقیقت غیرقابل انکار است که کار کردن به عنوان کمکی به این حس عمومی در جهانی که در

در جستجوی هویت مشترک: فولکلور تفسیر شده از طریق تصویر ❖ ۲۱۵

آن حضور داری، فقط یک امکان احتمالی در اختیار ما قرار می‌دهد تا سرمایه خود را از امکانات واقعی به روز کنیم.



تصویر ۸. طراحی از شانا آنوکا

بنابراین، سیستم‌های خودسازنده به اصول دینامیک «لومان» برای تعیین هویت‌ها نگاه می‌کنند و به تبع آن، تصاویری که فرهنگ مردمی را به‌مثابه نقطه شروعی دارند مانند سیستم‌های خودسازنده عمل می‌کنند که می‌توانند به شکل‌گیری هنرهای دستی کمک کنند و از طریق آنها برای تعریف یک هویت جمعی نیز تلاش کنند و هویت‌های فردی را که در پیچیدگی‌های مدرنیته مخفی شده‌اند، عیان کنند (شکل‌های ۷، ۸ و ۹).



تصویر ۹. طراحی از کارولین رری

- Albino, Cláudia (2012), 'The senses of places: Opportunities for a contextual design', *Editoria – Design, artesanato e indústria*, Guimarães: Fundação Cidade de Guimarães.
- Appadurai, Arjun (1996), *Dimensões culturais da globalização*, Lisboa: Teorema.
- Bauman, Zygmunt (2000), *Modernidade líquida*, Rio de Janeiro: Zahar.
- Berger, Peter L. and Luckmann, Thomas (1997), *Modernidad, pluralismo y crisis de sentido. La orientación del hombre moderno*, Barcelona: Paidós.
- Castells, Manuel (1996), *O poder da identidade*, vol. 2, São Paulo: Paz e Terra.
- Deleuze, Gilles and Guattari, Felix (1987), *A Thousand Plateaus*, Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Luhmann, Niklas (1998), *Complejidad y modernidad*, Editorial Trotta: Madrid.
- Lyotard, Jean-François (1984), *The Postmodern Condition*, Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Maheirie, Kátia (2000), 'Constituição do sujeito, subjectividade e identidade', in *Interações*, 7: 13, pp. 31–44.
- Martins, Moisés de Lemos (2001), 'O discurso da identidade: o local, o regional e o nacional', in *Colóquios: Uma tensão entre o global e o local*. Ciclo de colóquios promovido pela Delegação Norte da Universidade Aberta, Porto: Universidade Aberta.
- Maturana, Humberto R. e Varela, Francisco J. (2007), *A árvore do conhecimento. As bases biológicas da compreensão humana*, Palas Athena: São Paulo.
- Niethammer, Lutz (1997), 'Conjunturas de identidade colectiva', in *Proj. História*, São Paulo: Revistas Eletrônicas da PUC-SP (<http://revistas.pucsp.br/index.php/revph/article/viewFile/11218/8226>).
- Oliveira, Cláudia Costa (s.d), *Autopoiesis* (<http://www2.fcsh.unl.pt/edtl/verbetes/A/autopoiesis.htm>).
- Quental, Joana (2009), *A ilustração enquanto processo e pensamento. Autoria e interpretação*. PhD thesis. Universidade de Aveiro.
- Santos, Boaventura de Sousa (1997), 'A queda do Angelus Novus: para além da equação moderna entre raízes e opções', *Revista crítica de Ciências Sociais*, 45, Coimbra, pp. 5–34.
- Santos, José Manuel (ed.) (2005), *O pensamento de Niklas Luhmann*, Covilhã: Universidade da Beira Interior, (http://www.fd.unl.pt/docentes_doos/ma/PG_MA_8879.pdf).
- Silva, Augusto Santos (1994), *Tempos Cruzados: um Estudo Interpretativo da Cultura Popular*, Porto: Edições Afrontamento.